

باسمه تعالی



شورای عالی فرهنگ، سز و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## کاربرگ طرحنامه پژوهشی

(Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می داند.

عنوان طرح: گفتمان های فکری افغانستان معاصر افغانستان

ارائه دهنده: امان الله فصیحی

### خلاصه طرح:

موضوع اصلی طرح، گفتمان های فکری است که در افغانستان معاصر به حالت هژمونیک شدن دست یافته است. این طرح با استفاده از چارچوب و روش تحلیل گفتمان انجام می شود. مهم ترین گفتمان های معاصر افغانستان را با اتکاء به پیشخوانه های آن به دو دسته کلان صورت بندی و غیریت سازی نمود؛ گفتمان های متأثر از فرهنگ و تمدن مدرن و گفتمان های برخاسته از شرایط فرهنگی و اجتماعی زیست جهان افغانستان؛ سپس هر کدام به انواعی قابل تقسیم است. گفتمان های تجددگرایی یا غربی شدن، گفتمان مارکسیسم و دموکراسی خواهی ذیل دسته اول طبقه بندی می شود. خرده گفتمان های نوع دوم عبارت است از: ناسونالیسم قومی، اسلام سیاسی نوگرا و اسلام بنیادگرا یا امارتی. هدف اصلی این طرح تلاش در جهت یافتن یک راه حل برای برون رفت از وضعیت بحران زده افغانستان است.

تاریخ ارائه: ..... مدت اجرا: ..... بودجه پیشنهادی:

ویرایش اول:  دوم:  سوم:  چهارم:

پژوهشگر: ..... گروه پژوهشی: .....

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری) .....

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری) .....

\* نوع پژوهش: بنیادی  کاربردی  توسعه ای

تکمیل توسط پژوهشگر

\* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش ها و مکانیزم ها و محصولات منجر می شود.

۱. مشخصات مجری یا مدیر طرح:

نام و نام خانوادگی: امان الله فصیحی. نام پدر: شماره شناسنامه: محل تولد: افغانستان  
 محل صدور: کابل سال تولد: روز ۱. ماه ۱ سال آخرین مدرک تحصیلی (دانشگاهی/حوزوی): دکتری دانشگاه  
 تهران و سطح چهار حوزه رتبه علمی (دانشگاهی / حوزوی): پایه استخدامی: .....  
 کد ملی: .....  
 نشانی محل کار: ..... کد پستی: .....  
 نشانی منزل: قم، طبقه سوم کد پستی: .....  
 تلفن منزل: تلفن محل کار: ..... تلفن همراه: نمابر: ..... آدرس پست الکترونیک:

سوابق تحصیلی از لیسانس به بعد:

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل	نام کشور	سال اخذ مدرک
۱	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	ایران	۱۳۸۸
۲	دکتری	جامعه شناسی نظری فرهنگی	دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران	ایران	۱۳۹۳
۳	سطح سه و چهار حوزه	فقه و معارف اسلامی	جامعه المصطفی	ایران	۱۳۹۱
۴					

سوابق شغلی و تجربی (به ترتیب از حال حاضر به قبل):

ردیف	محل کار	سمت	مدت	شهر-کشور
۱	نهاد ریاست جمهوری	مشاور ارشد رییس جمهور در امور فرهنگی و منابع بشری	یک سال	کابل، افغانستان
۲	نهاد ریاست جمهوری	ریاست دفتر معاون رییس جمهور	یک سال	کابل - افغانستان
۳	نهاد ریاست جمهوری	مشاور فرهنگی و علمی معاون رئیس جمهور	پنج سال	//
۴	دانشگاه کاتب	استاد در مقطع کارشناسی و ارشد	ده سال	//
۵	بنیاد اندیشه	مدیر تحقیقات و معاون	هفت سال	//

		مدیر مسئول فصلنامه اندیشه معاصر		
//	یک سال	مدیر تحصیلات تکمیلی	دانشگاه کاتب	۶
//	یک سال	مدیر تحقیقات علمی	دانشگاه کاتب	۷

طرح‌های تحقیقاتی انجام داده و یا در حال اجرا:

ردیف	پروژه	محل اجرا	سال اجرا	وضعیت	نوع همکاری	مبلغ
۱	اسلام و سرمایه اجتماعی با رویکرد فرهنگی	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات	۱۳۸۷	نشر شده	مجری	
۲	شاخص‌های سبک زندگی اسلامی	پژوهشکده اقتصادی و اجتماعی قدر با همکاری مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری	۱۳۹۱	//	مجری	
۳	نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن	//	۱۳۸۹	//	//	
۴	مبانی انسان شناسی توسعه	//	۱۳۹۰	//	//	
۵	نقد تبیین کارکردی دین	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۳۸۶	//	//	
۶						
۷						
۸						
۹						
۱۰						

دیگر فعالیت‌های پژوهشی (کتاب، مقاله و ...):

ردیف	عنوان فعالیت پژوهشی	محل	ناشر	سال
۱	دیانت و سکولاریزاسیون در افغانستان	دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران	در دست نشر	
۲	منطق کارکردی و دفاع از دین	موسسه امام خمینی	موسسه امام خمینی	۱۳۹۰
۳	کارکردهای دین در جامعه سنتی و مدرن	المصطفی	پژوهشکده باقرالعلوم	۱۳۸۸

۱۳۹۸	دبیر خانه سمینار علوم انسانی اسلامی		مدرنیته و سکولاریزاسیون معرفتی در افغانستان	۴
۱۳۹۳	معرفت فرهنگی و اجتماعی		فرایند سکولاریزاسیون در افغانستان؛ با تاکید بر دوران امیر عبدالرحمان	۵
			بیش از سی مقاله در فصلنامه‌های مختلف	۶

## ۲. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق):

قطع نظر از وارد شدن در منازعات اصالت آگاهی یا واقعیت عینی به تعبیر دیگر منازعه اصالت ذهن و عین، نمی‌توان تغییرات و تحولات نظام‌های آگاهی حاکم در جوامع را نادیده گرفت؛ با اصالت دادن به بعد جسمانی انسان و با اصالت دادن عین و یا اتخاذ رویکرد تقلیل‌گرایانه و با ارجاع تضادها و کشمکش‌ها به منازعه بر سر مالکیت ابزار تولید به سراغ تبیین تمام رخدادها و تحولات اجتماعی رفت. توجه به جایگاه و نقش نظام آگاهی به صورت‌های مختلفی ممکن است؛ یک نمونه‌ی آن دیدگاه تکامل‌گرایان چون آگوست کنت است که برای تمام جوامع نسخه‌ی واحدی را تجویز نموده است. در دیدگاه آگوست کنت و هم‌چنان دورکیم تفاوت ماهوی میان صورت‌های مختلف آگاهی وجود ندارد. تمایز تنها در میزان ساده و پیچیده بودن ابزارها و روش‌های تفکر و استدلال است. نمونه دیگر روش پرداختن به آگاهی توجه به منشأ نظام‌های آگاهی است؛ چنانکه در یک تقسیم‌بندی کلان به دو قسم عقلانی و عاطفی تقسیم شده است. روش دیگر پرداختن به نظام‌های فکری تمرکز بر آشکار سازی خصوصیات نظام‌های فکری و نشان دادن تفاوت‌های ماهوی هر کدام است؛ پیشگام این دیدگاه لوسین لوی برول است که در کتاب کارکردهای ذهنی در جامعه عقب مانده با رویکرد مردم‌شناختی آن را بیان نموده است و در آثار مختلف کاسیرر نمود و بروز یافته است. از نظر برول ماهیت تفکر جوامع سنتی و مدرن با یکدیگر متفاوت است و تفاوت فقط در روش و نوع استدلال خلاصه نمی‌شود. وی خصلت عرفانی، پیشامنتقی و درآمیختگی را از مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر جوامع عقب مانده بر شمرده است (برول، ۱۳۸۹: بخش اول). صورت دیگر پرداختن به بحث الگوهای تفکر، تحلیل گفتمان است که امروزه از جایگاه و منزلت بالایی در علوم اجتماعی برخوردار است.

سپهر فرهنگی جامعه افغانستان شاهد و نظاره‌گر طلوع و غروب نظام‌های فکری مختلف و گوناگون به صورت در زمان و هم‌زمان بوده است که بدون توجه به آن‌ها فهم واقعیت‌ها و رخدادهای اجتماعی افغانستان ممکن و میسر نیست. قبل از آشنایی و ارتباط با جوامع مدرن، نوع نظام‌های آگاهی حاکم در جامعه افغانستان، از دین متأثر بوده که در قالب اسلام سنی و شیعی عینیت یافته است. اما در فرایند زمان و پس از آشنایی با تمدن جدید و گسترش شعاع اشاعه فرهنگی آن دیار، تحت عناوین چون استعمار، مدرنیزاسیون، توسعه و نوسازی، نظام فکری حاکم در افغانستان نیز دست‌خوش تحول و دگرگونی شده است. اگرچه جوانه‌های تفکر تمایل به سمت تمدن مدرن را می‌توان در زمان امیر دوست محمد خان مشاهده نمود، ولی صورت علنی و رسمی آن به زمان حبیب الله فرزند امیر عبدالرحمان و صورت افراطی آن به دوران شاه امان الله فرزند حبیب الله مربوط می‌شود. در همین دوران است که با پیشگامی اشخاصی چون محمود طرزی و همفکران وی، نوسازی در قالب مشروطه اول و دوم از سطح نظر به عمل منتهی می‌شود و توسط شاه امان الله علاوه بر اصلاحات سیاسی، اصلاحات اجتماعی و فرهنگی نیز

به صورت عمیق، سریع، شدید و گسترده عملی گردید. جریان فکری که شاه امان الله از آن نمایندگی می نمود بشدت با هسته سخت الگوی فکری مواجه شد که در قاعده جامعه نهادینه شده بود و علما و روحانیون از آن نمایندگی می کردند. در نتیجه الگوی فکری که نوسازی را رهبری می نمود، شکست خورد و حکومت امان الله غازی توسط فردی به اسم حبیب الله کلکانی ملقب به خادم دین رسول الله برچیده شد. پس از دوران شش ماهه حبیب الله کلکانی نظام استبدادی دینی-قومی نادر شاه عرصه را در اختیار خود گرفت. در این مقطع تاریخی فعالان و پیشگامان تحول و نوسازی از قلمرو رسمی و ساختاری به زیست جهان اجتماعی منتقل شدند. در این زمان جریان های فکری همسو با دنیای مدرن در قالب احزاب، انجمن ها و تشکل های مختلف به صورت علنی و مخفی به فعالیت خود ادامه دادند. در همین زمان است که جریان های فکری چپ و متاثر از تفکر مارکسیسم نیز فعالیت های خود را آغاز کردند، اما جریان فکری متاثر از اردوگاه غرب و جبهه غالب را داشتند. اما با کودتای داود خان مجدد زمینه برای طرد این الگوی فکری فراهم شد. در مقابل زمینه برای هژمونیک شدن گفتمان چپ فراهم گردید تا اینکه در اواخر دهه پنجاه رسماً حالت هژمون را به خود گرفت. همزمان با این وضعیت و به قدرت رسیدن گفتمان چپ توسط حزب خلق و پرچم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رونق یافتن جریان های اسلام گرا تحت عنوان اخوان المسلمین و مطرح شدن گفتمان احیای تفکر دینی از سوی تعداد از متفکران مسلمان، نیروهای جدیدی در جامعه افغانستان ظهور نمودند که مبارزه مسلحانه را سرلوحه کاری خویش قرار دادند. الگوی فکری این جریان هم با تفکر مدرن و هم با قرائت سنتی از اسلام فرق داشت؛ که از آن به اسلام سیاسی تعبیر شده است. البته این جریان در شکست دادن رقیب موفق بود، اما در ایجاد نظم اجتماعی با ثبات ناموفق. از همین رو، دهه هفتاد نیز جزو سال های بحرانی افغانستان است. پس از رخداد یازده سپتامر و حضور مستقیم امریکا و ناتو در افغانستان و پس از اجلاس بن و شکل گیری جمهوری اسلامی مجدداً تفکر مدرن و اسلام نوگرا و متعادل به صحنه برگشت؛ صورت رسمی و ساختاری آن نظام جمهوری اسلامی بود. تکفر مدرن و نخواستی در این دوران بیش از هر زمانی در قاعده جامعه نفوذ کرده بود و در قالب نهادهای مختلف فرهنگی، علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فعال شده بود. اما با تسلط مجدد گفتمان امارت یا بنیادگرایی هر دو گفتمان منزوی و به حاشیه رانده شد.

همانگونه که گفته شد، افغانستان شاهد کشاکش الگوهای فکری مختلف بوده است. وضعیت مذکور از منظرهای مختلف قابل تبیین است، اما در این تحقیق تلاش بر آن است که با استفاده از تحلیل گفتمان نظام های فکری مسلط در افغانستان صورت بندی، خود و دیگری شناسایی شود. اما در استقرا و احصای دال محوری و پیرامونی هر گفتمان، می توان از دیدگاه برول نیز استفاده نمود و دیدگاه تکاملی کنت را به چالش کشید. دلیل انتخاب تحلیل گفتمان هم این است که افغانستان هم مانند دیگر جوامع انسانی و حیات بشری در معرض تغییر و تحول صورت های مختلف گفتمان های فکری بوده است؛ گفتمان هایی که



در دوران سلطه‌ی خود تحولات وسیع و شگرفی را در سطوح مختلف جامعه در پی داشته‌اند؛ از مدیریت کلان جامعه و نهادهای اجتماعی گرفته تا مدیریت افکار، اذهان و بدن شهروندان؛ اما در عین حال هر کدام از نهادهای سازی یک نظام باثبات و پایدار عاجز بوده و چهل سال است که افغانستان به صورت مستقیم با جنگ و خشونت دست و پنجه نرم می‌کند. مهم‌تر از همه، در حال حاضر افغانستان دستخوش یک تحول بنیادی و اساسی گفتمانی شده است. گفتمانی که به زعم بسیاری به حاشیه رانده شده بود، بر خلاف نظریات تکاملی چون کنت، جایگزین گفتمانی گردیده است که خود را گفتمان مدرن نامیده و بیست سال با استفاده از روش و فنون سخت و نرم در پی سلطه و هژمونیک شدن بود. از این رو، توجه و پرداختن به گفتمان‌های فکری یک ضرورت و حتمیت است. فهم رخدادهای جامعه افغانستان در عرصه‌های مختلف بدون توجه به گفتمان‌های فکری حاکم بر آن کاری دشوار و یا ناقص است؛ نفس نهادینه نشدن گفتمان‌ها و عدم برخورداری از کارآمدی و کارایی لازم، خود مهم‌ترین مساله است. بنابراین، آنچه مساله این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ صورت‌بندی گفتمان‌های فکری حاکم در افغانستان معاصر است؛ مقصود نگارنده از صورت‌بندی دو چیز است؛ در گام نخست، توصیف و تعریف دقیق گفتمان‌ها از طریق شناسایی دال‌های مرکزی و پیرامونی هر کدام آن‌ها. در گام دوم، تبیین روابط میان گفتمان‌ها و عدم هژمون شدن هر کدام به صورت درست و دقیق؛ آنگونه که در جوامع دیگر نهادینه شده است. برای مثال گفتمان مدرن آنگونه که در غرب مطرح شد، در افغانستان مطرح نشد. صورتی از تفکر اسلامی مطرح شد که با آموزه‌های اصیل اسلام مغایرت دارد. همچنین، رویکرد این تحقیق، بیشتر به این نکته معطوف است که دال محوری هر یک از این گفتمان‌ها را در ارتباط با نظام سازی و جامعه سازی شناسایی کند. برای مثال دال محوری لیبرالیسم در جامعه سازی چیست؟. همچنین، در این تحقیق، تلاش می‌شود که تکوین و تحول گفتمان‌ها را با توجه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی آن توصیف کند؛ همین نکته این پژوهش را از تحقیقات انجام گرفته با رویکرد سیاسی متفاوت می‌سازد. از آنجای که گفتمان‌ها در افغانسان در زمان شکل گرفته است، ناگزیر هستیم که از نگاه ساختاری و همزمانی صرف فراتر رفته و از نگاه پویایی نیز استفاده کنیم. همچنان باید توجه نمود که در این تحقیق دوره‌بندی‌ها مطابق تحولات کلان جامعه و ظهور و افول نظام‌های سیاسی است، اما گفتمان‌های فکری لزوماً محدود به گفتمان‌هایی که به اریکه قدرت رسمی دست یافته است، نیست، بلکه بسترهای اجتماعی و گفتمان‌های فعال در زیست‌جهان اجتماعی مورد توجه است. بنابراین، سوال اصلی این تحقیق عبارت است از:

سوال اصلی:

گفتمان‌های فکری حاکم در افغانستان معاصر چگونه صورت‌بندی می‌شود؟

سوال‌های فرعی:

۱. گفتمان متاثر از تفکر و فرهنگ مدرن چگونه صورت‌بندی می‌شود؟

۲. گفتمان متاثر از بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه افغانستان چگونه صورت‌بندی می‌شود

۳. چرا گفتمان‌های فکری مختلف به صورت ثابت و پایدار حالت هژمونیک پیدا نکرد؟

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

### اهمیت تحقیق

آنچه اهمیت تحقیق را می‌رساند، نقش حیاتی گفتمان‌های فکری افغانستان معاصر است؛ حداقل بحران چهل ساله افغانستان، مستقیماً با این گفتمان‌ها مرتبط است. لازم است که بدانیم، هر کدام این‌ها در مراحل تاریخ افغانستان حداقل یک‌بار حالت هژمونیک یافته است و قدرت خود را به منظور ساندن مردم افغانستان به فلاح و رستگاری به آزمایش گذاشته است، اما موفق نشده و به تدریج بعد ذهنی و عینی گفتمان‌ها از هم پاشیده است. پاسخ این سوال مهم است که بدانیم چرا این گفتمان‌ها توفیقی را که در جامعه خود به همراه داشت، در افغانستان به ارمغان نیاورد و حتی صورت درست آن اصلاً مطرح نشد و به بدترین وجهه صورت بندی شد. از سوی دیگر، ظهور و بروز گفتمان‌های فکری متکثر و متضاد در بازده زمانی نه چندان طولانی، خود مسأله مهمی است که باید به آن پرداخته شود. آن هم در جامعه‌ی که مدعی برخورداری از پیشینه فرهنگی و تمدنی قوی و غنی است. غزنی در عصر غزنویان و یا هرات در دروان تیموریان و همچین غور و بامیان و موارد دیگر. اما افغانستان در شرایط موجود به بدترین وضعیت قرار دارد. حال سوال این است که چرا به چنین وضعیتی گرفتار شده است و چرا گفتمان‌های معاصر عقیم و سترون است؟

### ضرورت تحقیق

۱. فقدان آثار علمی لازم؛ در گام نخست، آنچه که ضرورت این تحقیق را معلل و مدلل می‌سازد، تولید نشدن ادبیات نظری و تحقیقات علمی لازم در این زمینه است. کارهای که انجام شده است؛ اولاً جامعیت ندارد و هر کدام به موارد خاص پرداخته است؛ ثانیاً با رویکرد سیاسی ورود داشته است تا فرهنگی و اجتماعی. لذا در این تحقیق سعی بر این است که به این گفتمان‌ها به صورت جامع با رویکرد فرهنگی و اجتماعی و با استفاده از نظریات علوم اجتماعی تبیین شود.

۲. نشان دادن نقص و کاستی گفتمان‌ها؛ قطع نظر از نقد و ابرام‌های علمی گفتمان‌ها لازم است که از منظر دیگر نیز گفتمان‌های فکری افغانستان نقد و ارزیابی شود؛ همسویی با بسترهای اجتماعی و فرهنگی افغانستان و کارآمدی عملی هر کدام آن‌ها در حل مشکلات جامعه افغانستان. همانگونه که استعمار عربان و آشکار با شعار عمران و آبادانی وارد جوامع به اصطلاح توسعه نیافته شدند، اما در عمل خود سبب پسماندگی جوامع میزبان گردیدند. با غارت نمودن منابع آن‌ها جز فقر و اقتصاد از هم پاشیده چیزی به میراث نگذاشتند. این سخن به صورت کامل در مورد گفتمان‌های فکری نیز مصداق عینی دارد. گفتمان‌های وارداتی نه تنها در ساختن و آبادانی افغانستان نقش نداشته، بلکه خود منشأ آسیب‌های فراوانی نیز بوده است. برای مثال جمهوریت در دنیا پاسخگو بوده است، اما در افغانستان عقیم ماند. گفتمان‌های فکری قبل از آن نیز به همین مشکل

مواجهه بوده است. از این رو، پرداختن به آن‌ها یک ضرورت است.

۳. یافتن راه علمی خروج از بحران؛ افغانستان بیش از هر زمانی دیگر، به تولید اثر علمی و پژوهشی نیازمند است که بتواند راه برون رفت از بحران را نشان دهد. متأسفانه کمتر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها براساس پژوهش‌های علمی و عمیق از جامعه افغانستان استوار بوده است.

## هدف تحقیق

۱. شناسایی برجستگی‌ها و نقص‌های گفتمان‌ها در مرحله تکوین، هژمون و نحوه عمل آن‌ها در شرایط افول و حاشیه نشینی است. افغانستان معاصر شاهد و میدان کشاکش گفتمان‌های مختلف بوده است، اما متأسفانه هنوز این کشور، روی ثبات، رفاه و آسایش را ندیده است؛ گفتمان‌های فکری در جامعه سازی و نظام سازی ناموفق بوده است.

۲. هدف بالاتر از آن استخدام درس‌های آموخته شده از این تحقیق در راستای دولت - ملت سازی در افغانستان و برداشتن گامی در جهت رهایی افغانستان از بحران و خلق گفتمان‌های کارآمد است. همین گفتمان‌ها است که مبنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطوح مختلف جامعه قرار می‌گیرد و بر مبنای آن نهادهای اجتماعی طراحی می‌شود. برای مثال در دوران جمهوریت به دلیل اهمیت حقوق بشر و زنان به عنوان دال‌های پیرامونی گفتمان جمهوریت، نهاد و ساختارهای مرتبط با آن نیز شکل گرفته بود؛ کمیسیون مستقل حقوق بشر و وزارت زنان. اما به دلیل اهمیت نداشتن دال‌های مذکور در گفتمان فعلی، هردو نهاد لغو و نهادهای دیگری چون وزارت امر به معروف و نهی از منکر، جایگزین آن‌ها شده است.

۳. هدف دیگر ما ساختن مینا برای طراحی هر نوع تصمیم‌گیری‌های راهبردی در مواجهه با مسایل و مشکلات جاری افغانستان است.

۴. شناسایی روندهای آینده و پیش‌بینی جهت‌گیری رخدادها در آینده، هدف مهمی دیگر این تحقیق است. زیرا آینده از وضعیت حال متولد می‌شود. ما اگر حال را به درستی تبیین کنیم، می‌توانیم آینده را نیز به خوبی فهم و مدیریت نماییم. اما در غیر آن صورت، باید به تقدیر تن داد و تسلیم حوادث شد. فهم دقیق حال در گرو انجام تحقیقات و پژوهش‌های علمی است. تکیه بر مسموعات و یافته‌های غیر علمی ره بجایی نمی‌برد.

۵. یکی از اهداف ما در این نوشتار نزدیک شدن به پاسخ این سوال است که چگونه یک نظام فکری و فرهنگی کارآمدی خود را از دست می‌دهد و به تدریج دستخوش زوال و نابودی می‌شود. البته رسیدن به این هدف کار آسانی نیست، اما لازم است که از باب آب دریا را گر نتوان کشید لیک قدر تشنگی باید چشید به آن توجه نمود.

۶. علاوه بر قرابت فرهنگی شدید ایران و افغانستان و متاثر بودن بخش قابل توجهی جریان‌های فکری افغانستان از ایران، به

این نکته نیز باید توجه نمود که مدیریت فرهنگ یک جامعه بدون توجه به کشورهای اقماری آن کاری آسانی نیست. زیرا در دنیای بشدت به همپیوسته امروز، مرزهای فرهنگی وسعت یافته و از قلمروهای جغرافیایی فراتر رفته است. از این رو، این تحقیق هدف مدیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را نیز در حد خودش تأمین می‌نماید.

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

#### ۴. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

در عرصه‌های مختلف افغانستان مخصوصاً در موضوعات فکری و فرهنگی با رویکردهای جدید کار قابل توجهی انجام نگرفته است؛ از جمله در ارتباط با موضوع و مساله این تحقیق. مهم‌ترین کارهای که در این زمینه می‌شود به آن ارجاع داد، آثار زیر است:

۱. تحلیل گفتمانی اسلام‌های سیاسی در افغانستان، امان الله شفایی؛

۲. گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی پسا طالبان، دکتر سید عبدالقیوم سجدادی؛

۳. چپ‌گرایی در افغانستان، امان الله شفایی؛

۴. تحلیل گفتمان دموکراسی در افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی؛ علیرضا شریفی.

۵. دیانت و سکولاریزاسیون در افغانستان؛ پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ امان الله فصیحی؛

۶. تحلیل گفتمانی اسلام خلافت محور در افغانستان؛ محمد علی میر علی و امان الله شفایی؛

۷. موانع گفتمان دموکراسی در افغانستان، محمد رضا تاجیک و علیرضا شریفی؛

۸. تحلیل گفتمان اسلامی ولایتی افغانستان متأثر از انقلاب اسلامی ایران، محمد علی میرعلی و امان الله شفایی.

جز پایان نامه نگارنده وجه مشترک همه‌ی آن‌ها در این است که اولاً از زاویه علم سیاست و قدرت به موضوع پرداخته است و ثانیاً هر کدام یک بعد موضوع را بررسی نموده است. در رسانه نگارنده سه جریان مهم فکری افغانستان لیبرالیسم، مارکسیسم و اسلام‌گرایی بررسی شده است، اما نه با رویکرد تحلیل گفتمان؛ بلکه از منظر عرفی شدن با چارچوب نظری هانری کربن و علامه طباطبایی. نگارنده در مدت ده سال حضور و کار متمرکز در افغانستان متاسفانه به یک اثر قابل توجه که از انجام این تحقیق بی‌نیاز سازد، دست نیافته است. شاید با عناوین مطمئن و دهن پرکن کتاب‌ها و مقالات بر بخوریم که بیانگر اشباع

پژوهشی و غنای فکری این عرصه باشد، ولی وقتی وارد سطور و محتوا می‌شویم به این نتیجه می‌رسیم که به انجام کارهای متقن‌تری نیاز است. پایان نامه‌های کارشناسی ارشدی که در کابل با راهنمایی نگارنده به فرجام رسیده است، نیز اولاً سطح علمی آن‌ها آنقدر بالا نیست و ثانیاً نگاه یک بعدی به موضوع دارد. از همین رو، از نظر شکلی آنچه این کار را با کارهای قبلی متمایز می‌سازد، پرداختن به موضوع از ابعاد مختلف و آوردن گفتمان‌های فکری عمده در یک متن است؛ ثانیاً رویکرد این تحقیق بیشتر صبغه فرهنگی دارد تا بحث کاملاً سیاسی و معطوف به قدرت. بنابراین، می‌شود گفت این تحقیق از نظر شکلی و محتوایی با تحقیقات قبلی متفاوت و در حد خود جدید است. مهم‌تر از همه تحقیقات انجام شده غالباً در بیست سال پسین است که گفتمان حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی افغانستان به نحوی بر پژوهش‌های انجام گرفته اثر گذار بوده است. اما یک سال است که افغانستان دچار یک دگردیسی بنیادی شده است و گفتمان جدیدی که فکر می‌شد کارایی خود را از دست داده است، دوباره ققنوس وار سر بلند نموده و گفتمان‌های رقیب را کاملاً از میدان خارج نموده است. این تحول نیز می‌طلبد که با رویکرد متفاوت، گفتمان‌های فکری افغانستان تحلیل و بررسی و رمز و رازهای چرخش‌های گفتمانی تا حد امکان کشف شود؛ مخصوصاً میزان همسویی و قرابت آن‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانستان.

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

## ۵. چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش:

مطابق عنوان تحقیق مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین چارچوب نظری قابل استفاده در این تحقیق، تحلیل گفتمان است؛ برای نیل به این مقصود از چارچوب نظری و روش‌شناسی - نظریه تحلیل گفتمان - بر اساس شیوه کار فوکو، لاکلاو و موفه و نظریه انتقادی گفتمان، استفاده می‌شود. فوکو تبارشناسی را نگارش «تاریخ حال» می‌داند. پی بردن به عوامل عینی و تأثیرگذار نیروهای اجتماعی و حتی بیرون از جامعه افغانستان در شکل‌گیری و تطور گفتمان‌های فکری این جامعه، نیازمند کاری تبار شناسانه است. صورت‌بندی و مفصل‌بندی هر کدام از این گفتمان‌ها، نیازمند روشی است که فرکلاف و لاکلاو و موفه از آن بهره برده‌اند. اما اگر از این تقارن ذهنی فراتر رویم، از نظریه گی‌یرکیگور در کتاب «این یا آن» و نظریه داستایوفسکی در داستان برادران کارامازوف نیز می‌توان استفاده کرد. اگر نظریه تحلیل گفتمان راهنمایی ما در صورت‌بندی‌های گفتمان‌ها است، نظریه دو شخص دیگر به خوبی نیروها، بسترهای شکل دهنده و پشتوانه‌های کارزماتیک گفتمان‌ها را تبیین می‌کند. زیرا چهار گفتمان‌های عمده افغانستان متکی بر نیروهای زیستن و زندگی، علم و دین است؛ در حقیقت مبنای شکل‌گیری گفتمان‌ها یا سنت است یا عقلانیت مدرن خود بنیاد و یا هم عقلانیت ارزشی یا به تعبیر دیگر دین. دو عنصر اخیر روشن است، ولی عنصر نخست در افغانستان در قالب عنصر قومیت یا عصبیت قومی خود را نشان داده است که خیلی پررنگ نیز بوده و است. می‌شود که از نظریه لوی برول نیز در تبیین خصوصیات دال محوری و دال‌های پیرامونی استفاده نمود؛ همانگونه که برخی متفکران مسلمان نیز تفاوت جهان‌های فکری را تفاوت ماهوی و کیفی می‌دانند نه تراکمی و کمی. همچنانکه نظریه انواع عقلانیت ماکس وبر در قسمت توضیح نوع عقلانیت هر گفتمان ما را یاری می‌نماید. به بیان دیگر سه نوع دسته‌بندی و غیریت‌سازی که صورت گرفت با نظریه عقلانیت ماکس وبر نیز همخوانی داشته و قابل تبیین است. بنابراین می‌شود گفت که در این طرح از چارچوب‌های نظری مختلف، اما از هر کدام در جایگاه خودش و به صورت طولی، استفاده می‌شود تا نظم و انسجام منطقی کار زیان نبیند.

باتوجه به کیفی بودن این تحقیق نمی‌توان فرضیاتی مانند فرضیات تحقیقات کمی مطرح نمود. اما در عین حال می‌توان گفت که به صورت کلی گفتمان‌های فکری افغانستان به دو دسته صورت‌بندی می‌شود؛ گفتمان‌های متأثر از گفتمان مدرن و گفتمان‌های برخاسته از شرایط فرهنگی و اجتماعی افغانستان. تجددگرایی یا غرب‌گرایی و مارکسیسم و دموکراسی‌خواهی یا جمهوریت برگرفته از گفتمان مدرن است. اما در مقابل گفتمان ناسیونالیسم قومی، گفتمان سنتی، گفتمان اسلام سیاسی و نوگرا، و امارت یا بنیادگرایی اسلامی برخاسته از شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه افغانستان است.

در صورت نیاز، ادامه بحث ضمیمه شود.

## ۶. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

۱. گفتمان: گفتمان تعاریف مختلف و گوناگونی دارد؛ آنچه که مقصود نگارنده در این نوشتار است عبارت است از: «مجموعه‌ای از نشانه‌های به هم مرتبط است که حول دال مرکزی مفصل بندی شده‌اند».

۲. فکری: مقصود از فکر در این نوشتار آندسته از الگوهای فکری است که در فضای اجتماعی و فرهنگی افغانستان به یک جریان و یا گفتمان تبدیل شده است؛ که مصادیق آن در بالا بیان شد.

۳. افغانستان معاصر: اگرچه قید معاصرت حداقل یک صده را شامل می‌شود، اما مقصود نگارنده در این نوشتار از افغانستان معاصر، پنجاه سال اخیر است که در آن افغانستان به بحران فرورفته است.

## ۷. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

گفتمان، فکر، افغانستان، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، اسلام، جمهوریت

## ۸. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی):

موضوعی: پنج جریان فکری عمده‌ی که در بالا بیان شد. گفتمان ناسیونالیسم قومی، لیبرال‌گرایی، مارکسیسم‌گرایی، اسلام سیاسی و امارت اسلامی.

مکانی: افغانستان

زمانی: پنجاه سال اخیر.

## ۹. روش شناسی پژوهش:

۹-۱. روش تحقیق:

[  کیفی ]

[  کمی ]

[  تحلیلی ]

[  توصیفی ]

توضیح:



در این تحقیق از روش تحلیل گفتمان به عنوان یکی از روش‌های کیفی استفاده می‌شود. پس هم تحلیلی است و هم کیفی.

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای       مشاهده       مصاحبه       پرسشنامه

سایر

لطفاً ذکر شود.

۹-۳. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

۹-۴. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

۹-۵. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)

این تحقیق با استفاده از متون تاریخی و اسنادی انجام می‌شود.

۹-۶. نمونه‌گیری:  تمام شماری می‌شود       انجام نمی‌گیرد       انجام می‌گیرد

نمونه‌گیری به روش ..... با حجم یا تعداد نمونه ..... انجام می‌پذیرد.

۱۰. سازماندهی پژوهش (فصل بندی):

فصل اول: کلیات، مفاهیم و مباحث نظری

الف. کلیات

ب. مفاهیم

ج. ادبیات نظری

د. بیان روش تحقیق

بخش اول: گفتمان‌های متأثر از تمدن مدرن

فصل دوم: گفتمان تجدد خواهی و غرب‌گرایی

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان
۲. صورت‌بندی گفتمان
۳. گونه شناسی خرده گفتمان‌ها
۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

#### فصل سوم: گفتمان مارکسیسم

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان
۲. صورت‌بندی گفتمان
۳. گونه شناسی خرده گفتمان‌ها
۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

#### فصل چهارم: گفتمان دموکراسی خواهی

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان
۲. صورت‌بندی گفتمان
۳. گونه شناسی خرده گفتمان‌ها
۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

#### بخش دوم: گفتمان‌های برخاسته از شرایط فرهنگی و اجتماعی افغانستان

#### فصل پنجم: گفتمان ناسیونالیسم قومی

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان
۲. صورت‌بندی گفتمان
۳. گونه شناسی خرده گفتمان‌ها
۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

#### فصل ششم: گفتمان اسلام اسلام سیاسی و نوگرایان اسلامی

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان
۲. صورت‌بندی گفتمان
۳. گونه شناسی خرده گفتمان‌ها

۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

فصل هفتم: گفتمان بنیادگرایی یا امارت اسلامی

۱. تبار شناسی و دیرینه شناسی گفتمان

۲. صورت بندی گفتمان

۳. گونه شناسی خرده گفتمان ها

۴. هژمونیک شدن و طرد شدگی گفتمان

فصل هشتم: جمع بندی و نتیجه گیری

۱۱. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: ..... صفحه ۳۰۰ کلمه ای

حدود سیصد صفحه

۱۲. نتایج قابل انتظار از طرح:

۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع

۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی

۳. تهیه سند راهبردی

۴. تهیه آیین نامه، دستورالعمل یا استاندارد

۵. تدوین طرح جامع

۶. سایر موارد ذکر شود: .....

### ۱۳. مهم‌ترین منابع و مأخذ فارسی و خارجی:

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	امان الله شفایی	تحلیل گفتمانی اسلام‌های سیاسی در افغانستان			تهران	ابرار معاصر	۱۳۹۷
۲	سید عبدالقیوم سجادی	گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی پساطالبان			قم	دانشگاه مفید	۱۳۸۸
۳	امان الله شفایی	چپ گرایی در افغانستان			کابل	بنیاد اندیشه	۱۳۹۹
۴	علیرضا شریفی	تحلیل گفتمان دموکراسی در افغانستان: موانع دموکراسی			تهران	دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۸۸
۵	امان الله فصیحی	دیانت و سکولاریزاسیون در افغانستان			تهران	دانشگاه تهران	۱۳۹۳
۶	محمد علی نظری	علل ظهور و افول طالبان			قم	موسسه امام خمینی	۱۳۸۹
۷	محمد جواد برهانی	تغییرات اجتماعی در افغانستان			//	//	۱۳۸۸
۸	اسماعیل باقری	مقدمه‌ی بر جریان شناسی اسلامی افغانستان			تهران	موسسه مطالعات اندیشه سازان نور	۱۳۹۳
۹	حسین بیانی راد	گفتمان‌های هویتی در افغانستان معاصر			تهران	دانشگاه تهران	۱۳۹۱
۱۰	تامس جفرسون بارفیلد	تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان			تهران	عرفان	۱۳۹۸
۱۱	عبدالحکیم حقانی	الامارت الاسلامیه و نظامها			پاکستان	دارالکتب العلوم الشرعیه	۱۴۰۱
۱۲	عبدالغفور روان فرهادی	مجموعه مقالات طرزی			کابل	وزارت خارجه	۱۳۸۷
۱۳	ماریان یورگینسن و لوئیز فیلیپس	درآمدی بر تحلیل گفتمان	هادی جلیلی		تهران	نشر نی	۱۳۹۵
۱۴	علی اصغر سلطانی	قدرت، گفتمان و زبان			تهران	نشر نی	۱۳۹۲
۱۵	آلیور روا	افغانستان از جهاد تا جنگ‌های داخلی،	علی عالمی کرمانی		تهران	عرفان	۱۳۹۰

## ۱۴. هزینه‌های پرسنلی\*:

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح و نوع همکاری	سطح تحصیلات	رشته تخصصی	ساعات کار در ماه	مدت همکاری	مبلغ پرداختی در ماه	هزینه
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
							جمع هزینه	

## \*براساس ضوابط آئین‌نامه‌های پژوهشی

## ۱۵. سایر هزینه‌ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...):

ردیف	شرح	هزینه	ردیف	شرح	هزینه
۱	منابع	ده میلیون ریال	۵		
۲			۶		
۳			۷		
۴			۸		
				مبلغ کل هزینه‌های اجرای طرح	

۱۶. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

نحوه ارائه گزارش	درصد پرداخت	پیش بینی زمان و درصد پیشرفت کار		شرح خدمات	عنوان مرحله	ردیف
		درصد پیشرفت کار	زمان لازم (روز)			
بدون ارائه گزارش	* ۲۰	۰	۰	ارائه طرح	صفر	۱
با گزارش	۳۰	پنجاه در صد	شش ماه	ارائه گزارش مرحله اول ب	شرح خدمات گزارش مرحله اول طبق نظر مجری (۵۰ درصد از تحقیق)	۲
	۵۰	۱۰۰		ارائه گزارش نهایی	نهایی	۳

\* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.